

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ جنوری ۲۰۲۱

ناتوانی است و یا نخواستن؟؟

۱

شنبه - ۱۳ جدی ۱۳۹۹ - کابل: در پی ترور ۷ تن از خبرنگاران و اهل رسانه ها در بازه زمانی دو ماه اخیر، سروصدا هائی بلند شده است که دولت در تأمین امنیت این اهداف تروریست ها ناکام و ناتوان است، در حالی که عمل دولتی مطلقاً از زیر بار مسؤولیت شانه خالی نموده، زمانی موفقیت تروریست ها را در عدم اطلاع خودشان از وخامت اوضاع این و یا آن اهل رسانه می دانند و زمانی هم مانند امروز که فردی به نان "لطیف محمود" رئیس یکی از ریاست های جدید الولاده در دولت دست نشانده با صراحت گفت، مسؤولیت متوجه خود مقتولین است که گویا به مشوره های امنیتی مقامات و مسؤولین امنیتی تمکین نمی نمایند. در یادداشت کنونی تلاش خواهم نمود تا ضمن اختصار بر ابعاد مختلف این قضیه برداشتهای خودم را خدمت تان تقدیم دارم.

۱- به نظر من همان سان که در عنوان نیز تلویحاً بدان اشاره شده است، اساساً طرح بحث ناتوانی دولت دست نشانده در تأمین امنیت اهل رسانه ها، در ذات خود یک نوع دید مثبت نسبت به دولت دست نشانده داشتن است. یعنی خود سؤال به خواننده چنان تلقین می نماید که دولت دست نشانده نه تنها خود با اهل رسانه ها و آزادی بیان و عقیده مشکل ندارد بلکه می کوشد تا این جمع از شهروندان را از گزند دشمنان مردم صیانت نیز نماید، مگر بیچاره زورش نمی رسد، طرف قوی است، از حمایت استخبارات منطقه و جهان برخوردار است و مردم ما هم حرف ناشنو، سهل انگار و بی مبالا هستند و به مشوره های نهاد های امنیتی هم بها نمی دهند. به عبارت دیگر در طرح چنین اتهامی، یعنی دولت را در صیانت از اهل رسانه ها ناتوان اعلام داشتن، به نحوی آدم و عالم را گنهکار و مجرم معرفی نمودن و دولت بیچاره و شل و شت را برائت دادن است. زیرا وقتی خدا کسی را بیشتر از طاقتش تکلیف نکند، ما بنده ها که نباید چنان گستاخانه عمل نمائیم که از روش خدائی نیز دور بمانیم.

۲- به همین اساس در اینجا مسأله نتوانستن و ناتوانی دولت دست نشانده در تأمین امنیت اهل رسانه و سایر مردم افغانستان به خصوص باشندگان شهر های بزرگ مطرح نیست، بلکه اساس مسأله آن است که دولت نمی خواهد از کشتار اهل رسانه ها و عناصر روشن بین و روشنگر جامعه جلوگیری نماید. زیرا:

از این دو حالت بیرون نیست، یا دولت دست نشانده مخالف و دشمن طالب و بقیه تروریست هاست و یا هم دوست و متحد آنها.

هرگاه بزرگواری به خرج دهیم و با بستن چشمان مان بر روی ده ها و صد ها واقعیت ملموس و آشکار، از همکاری و تبانی بین تروریست ها و دولت دست نشانده گذشته فرض اول را بپذیریم و قبول نمائیم که دولت دست نشانده مخالف و دشمن طالب و بقیه تروریست ها است. نتیجه منطقی چنین پیش فرضی این می شود که دولت دست نشانده نه تنها می خواهد که سر بر تن طالب و بقیه تروریست ها نباشد، بلکه با تعقیب سیاست های چندین بعدی، در همه ساحات آنها را ضربت زده، می کوشد باعث تجرید، بی اعتباری و محکومیت آنها در اذهان جهانی و مردم افغانستان نیز گردد.

با حرکت از چنین منطقی، روشن است که جلوگیری از ترورهای هدفمند اهل رسانه در کنار آن که یک تبلیغ زودگذر و مثبت از توانائی های دولت دست نشانده را با خود خواهد آورد، طالب و بقیه تروریست ها را نیز از آماج حملات رسانه ئی و نفرت همگانی مردم افغانستان و جهان دور نگه خواهد داشت. یعنی جلوگیری از ترور اهل رسانه به جای آن که به نفع دولت دست نشانده تمام شود، به نفع دشمنانش تمام خواهد شد.

چیزی که هم دولت دست نشانده و هم طالب و بقیه تروریست ها و بادران امپریالیستی آنها بار بار و به کرات ثابت ساخته اند بی ارزش دانستن جان و حیات انسانها در کل و به خصوص باشندگان این سرزمین برای آنهاست. آنها بارها ثابت ساخته اند که جهت تحکیم مواضع خودشان حاضر اند بر تلی از اجساد هموطنان ما پای بگذارند، خون آنها را بریزند، خانه هایشان را ویران کنند، خوشی های شان را به ماتم تبدیل نمایند و به خون خفتن اینهمه انسان برای شان پیشیزی ارزش نداشته باشد. در چنین صورتی واضح است که دولت دست نشانده به جای این که جلو کشتار اهل رسانه ها را بگیرد، می گذارد آنها کشته شوند، شاید هم خود زمینه ترور را فراهم سازند تا با کشته شدن اهل رسانه، دشمنان شان مورد حمله قرار گیرند.

ادامه دارد